
ابیات برگزیده همراه
مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان


بسم الله الرحمن الرحیم

ابیات برگزیده همراه

نویسنده:

www.modiryar.com

ناشر چاپی:

www.modiryar.com

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵
ابیات برگزیده همراه ۷
مشخصات کتاب ۷
بهار۸۸ ۷
جانان ۷
درد ۷
غم ۷
جوانی ۷
عملکرد زندگی ۷
پشیمان ۸
چشم تر ۸
درد بی در مان ۸
فال حافظ ۸
آرام جان ۹
مرگ نازدار ۹
نیک و بد ۹
دل ربا ۹
دل طوفانی ۱۰
شعر طنز ۱۰
برگزیده ۱۲
مژگان سیاه ۱۲
چندان گِریَم که کوچه ها گِل گردد ۱۲
آتش درون ۱۳
سوز دل ۱۳

امیدواری ۱۳
صیاد ۱۳
فالی دیگر ۱۳
وفا... Fidelity ۱۳
فقط خدا ۱۳
درباره مرکز ۱۶

ابیات برگزیده همراه

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: ابیات برگزیده همراه / www.modiryar.com

ناشر :www.modiryar.com

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه , رایانه

موضوع: مدیریت - ادبیات

بهار۸۸

معه ، ۳۰ اسفند ۱۳۸۷ ، ۱۶:۱۳ گفت پیغمبر به اصحاب کبار تن میوشانید از باد بهار

آنچه با برگ درختان می کند با تن و جان شما آن می کند

سال نو بر تمامی هموطنان عزیز مبارک باد. لذت نسیم فرح بخش بهاری گوارایتان.

جانان

sweetheart مرا عهدی است با جانان که تا جان دربدن دارم هواداران کویش را چو جان خویش پندارم

درد

مرا دردی است اندردل اگرگویم زبان سوزد اگرپنهان کنم ترسم که مغزاستخوان سوزد

غم

sorrowاگر غم لشگر انگیزد که خون عاشقان ریزد منو ساقی بهم سازیم وبنیادش براندازیم

جوانی

Youthجوانی شمع ره کردم که جویم زندگانی را نجستم زندگانی را و گم کردم جوانی را

عملکرد زندگی

liveوقتی که تو آم--دی به دنی-ا عری--ان جمعی به تو خندان وتو بودی گری-انکاری بکن ای دوست که وقت رفتن جمعی به تو گریان وتو باشی خندان

پشیمان

Regretfulیک چند پشیمان شدم از رندی و مستی عمری است پشیمان ز پشیمانی خویشم

چشم تر

شنبه ، ۱۰ دی ۱۳۸۷ ، ۱۳:۱۳ چشم تر Weepingیک چشم من در غم دلدار گریست چشم دگرم حسود بود ونگریست چ--ون روز وص--ال ش--د او را بست--م گفتم ن--گریستی نب--اید نگریست

درد بی در مان

pain درد ما را نیست درم--ان الغی--اث هج--ر مارا نیست پایان الغی-اث

فال حافظ

(Falle Hafez)مهر سیه چشمان...مجال من

همین باشد که پنهان عشق او ورزم کنار و بوس و آغوشش چه گویم چون نخواهد شد؟شراب لعل و ج--ای امن و ی--ار و مهربان ساقیدلا ک---ی به ش--ود کارت اگ---ر اکن---ون نخواهد شد؟ مرا مهر سیه چشمان ز سر بیرون نخواهد شد قضای آسمانست این و دیگرگون نخواهد شد رقیب آزاره--ا فرم---ود و ج---ای آشتی نگذاشت مگر آه سحر خیزان سوی گردون نخواهد شد؟ مراروز ازل کاری بج---ز رن---دی ن-ف---رمودند هر آن قسمت که آنجا رفت از آن افزون تر نخواهد شدخدا را محتسب ما را به فریاد دف و نی بخش که س--از شرع ازین افسانه بی قانون نخواهد شد مجال من همین باشد که پنهان عشق او ورزمکنار و بوس و آغوشش چه گویم چون نخواهد شد؟شراب لعل و ج--ای امن و ی--ار و مهربان ساقیدلا ک---ی به ش--ود کارت اگ---ر اکن---ون نخواهد شد؟ مشوی ای دیده نقش غم ز لوح سینه حافظ که زخ---م تیغ دلدارست و رنگ خ-ون نخ---واهد شد

آرام جان

آرام جانs o o t h eدرد بی عشقی ز جانم ب----رده ط-اق--ت ورنه من داشتم آرام تا آرام جانی داشتم بلبل صبرم کنون باشد زتنهائی خموش نغم---ه ه---ا بودی مرا تا همزبانی داشتم

مرگ نازدار

p مرگ ن----ازدارm i n c i n g + d e a t h من به مردن راضی ام پیشم نمی آید اجل بخت بد بین کزاجل هم ناز می باید کشید

نیک و بد

نبه ، ۱۰ دی ۱۳۸۷ ، ۱۳:۱۹ نیک و بد نیک...Good.....Bad...بدهر کس بد ما به خلق گوید ما دیده به بد نمی خراشیم م--ا نی-کی او به خلق گوییم تا هر دو دروغ گفته باشیم

دل ربا

دل ربا..... Sweetheartسه غم آمد سرم هرسه به یکبار غریب--ی

ص: ۲

و اسی--ری وغ--م ی--ار غریب---ی و اس-ی---ری چ----اره داره غ-م ی--ارم غ--م ی--ارم غ-م ی--ار

دل طوفانی

خویشم یک چند پشیمان شدم از رندی و مستی عمریست پشیمان زپشیمانی خویشم از شوق شکرخند لبش جان نسپردم شرمنده جانان زگران جانی خویشم بشکسته تر ازخویش ندیدم به همه عمر افسرده دل از خویشم و زندانی خویشم هر چند امین، بسته دنیا نیم اما دلبسته یاران خراسانی خویشم

شعر طنز

شعر طنزAbolfazl Zaroe Nasrabadشعر طنز زیر توسط "ابوالفضل زرویی نصر آباد"، مدیر دفتر طنز کانون ادبیات ایران، شاعر طنز پرداز و یار قدیمی مر حوم کیومرث صابری (مسئول فقید نشریه ی گل آقا) سروده شده است.خواندن این شعر رو به همه ی بازدید کنندگان محترم سایت توصیه می نمایم.ای جماعت چطوره حالا‌لتتون قربون اون فهم کمالا‌تتونگردنتون پیش کسی خم نشه از سر بنده سایتون کم نشهراز و نیاز و بندگیتون درست حساب کتاب زندگیتون درستباز یه هوا دلم گرفته امروز جون شما دلم گرفته امروزراست و حسینیش نمیدونم چرا بینی و بینیش نمیدونم چرافرقی نداره دیگه شهر وروستا حال نمیدن مثل قدیما دوستاشاپرکا به نیش مجهز شدن غریب گزا هم آشنا گز شدنشعرم اگه سست وشکسته بسته ست سرزنشم نکن دلم شکسته ستآدم دلشکسته بش حرج نیست شعر شکسته بسته بش حرج نیستتا که میفته دندونهای شیری رو سرمون میشینه گرد پیریکمیسیون مرگ میشه تشکیل درو میشن بزرگترای فامیلیکدفعه همکلاسیها پیر میشن همبازیا پیر و زمین گیر میشنرمق نمونده تا بریم صبح زود پیاده تا امام زاده داوودگذشت دوره ای که ما یکی بود خدا و عشق و آدما یکی بودتو کوچه های غربی صناعت عشقو گرفتن از شما جماعتدرسته دیگه توی

شهر ما نیست دلی که مثل کاروانسرا نیستیه چیز میگم ایشالله دلخور نشین قربون اون دلای تک سرنشینشهر بدون مرد شهر درده قربون شکل ماه هرچی مردهمردای ده مردای کاه و گندم مردای ده مردای خان هشتممردای پشت کوه مثل خورشید تو دلشون هزار تخت جمشیدکیسه چپقها به پر شالشون لشکر بچه ها بدنبالشونبیل و کلنگشون همیشه براه قلیونشون براه دماغشون چاقصبح سحر پامیشن از رختخواب یکسره روپان تا غروب آفتابچارتای رستمن به قد و قامت هیکلشون توپ تنشون سلامتنبوده غیر گرده گلاشون غبار اگه نشسته رو کلاشونمردای ناز دار مرد شهرن با خودشون هم این قبیله قهرنمردای اخم و طعنه بی دلیل مردای سر شکسته زن ذلیلمردای دکترای حل جدول مردای نق نقوی لوس تنبللعنت و نفرین میکنن به جاده تا که میرن چار تا قدم پیادهمردای خواب تو ساعت اداری تازه دوساعتم اضافه کاریتوی رگاشون میکشه تنوره تری گلیسرید و قند و اورهانگار آتیش گرفته ترمه هاشون همیشه تو همه سگرمه هاشونبه زیر دست ترشی و عبوسی به منشی اداره چاپلوسیبرای جستن از مظان شکها دائره المعارف کلکهابچه به دنیا میارن با نزور اغلبشون یکدونه اونهم به زورپیش هم از عاطفه دم میزنن پشت سر اما واسه هم میزننانجا فقط مهم مقام و پسته مردای شهری کارشون درستهمشتی حسن چای و سماورت کو؟ سینی باقالی و گلپرت کو؟ای به فدای ریختو تیپو پستت بوی چپق نمیده عطر پیپتمشتی حسن قربون میز و فایلت قربون زنگ گوشی موبایلتاونکه دهاتی و غریبه مشتی میونه شهریا غریبه مشتیقدیم ترا قاتله هم صفت داشت دزد سر گردنه معرفت داشتاون زمونا که نقل تربیت بود آدم کشی یجور

معصـیت بودمعنی نداره توی عصر سی دی   بزرگ و کوچکی و ریش سفیدیتقی به فکر رونق نقی نیست   کسی به فکر نفع مـا بقی نیسـتمقاله هـا پشـت هـم انـدازیه   جنـاح و بانـد و حزب و خـط بازیهبسـکه بـه هرطرف سـتادمون رفت صـراط مسـتقیم یـادمون رفتارزشـمون به طول و عرض میزه   چقـدر میز و صـندلی عزیزهتمام فکرو ذکرمون همینه که هیچکی پشت میزمون نشـینهیه عمره دودوزده چشم و چـارش   تـا خش نیفته روی میز کارشاونا که مرد زن دعا گوشون بود   میز ریاست سـر زانوشون بودبیا بشین که میز اگه وفا داشت   وفا به صاحبای قبل ماداشتقدیم که نرخها به صاحبش بود   ارزش صـندلی به صاحبش بودفقیه اگه بالای منبر میشست   جوون سه چار پله پایین تر میشستمعنی شـان ورتبه یـادشون بود   حرمت مردم به سوادشون بودروی لبت خوبه تبسم بـاشه   دفـتر کـارت دل مردم باشـهمردا بدون میزهم عزیزند   رفوزه ها همیشه پشت میزندفتنه و دعوا سر نونه مشتی   دوره آخرالزمون مشتیجسارتاً شعرم اگه غمین بود   به قول خواجه خاطرم حزین بود دعا کنین که حالمون خوب بشه   تا شعرمون یخورده مرغوب بشه

برگزیده

برگزیده selected ای مثل خود در من اسـیر   لی--لای م-ن ب-ا م-ن بمیرتن--ه--ا ب--ه ی-م-ن مرگ ما این قصه می ماند به جا

مژگان سیاه

The black Eyelashesبـه مژگـان سـیه کردی هزاران رخنـه در دینم   بیـا کز چشم بیمـارت هزاران درد بر چینمالاـ ای همنشین دل که یارانت برفت از ی-اد   مرا روزی مباد آندم که بی یاد تو بنشینم

چندان گِریَم که کوچه ها گِل گردد

Cry^ blood   آن دل که تو دیـده ای زغم خون شـد و رفت وز دیـده ی خون گرفته بیرون شد و رفت روزی به ه---وای عش-ق سی--ری می ک--رد لی-لی

صفتی بدید و مجنون شد و رفت

آتش درون

Fire of body دست از طلب نـدارم تاکـام من برآیـد* یاتن رسـد به جانان یا جان زتن برآیـد بگش-ای تربتم را بعـد از وفات و بنگر*ک--ز آت--ش درون------م دود از کف-ن برآید

سوز دل

. heartacheاز زن-دگ-ان-ی گـل---ه دارد ج---وانی-------م ش-رمن-ده ی ج-وانی از این زن-دگ-انی-م دارم به دل هوای صحبت یاران رفته را ی--اری کن ای اجل که به یاران رسانیم گوش زمین ب-ه نال-ه م-ن نیست آشنا م-ن ط--ای--ر ش-کست---ه پ-ر آس-م-ان-ی-م گفـتی که آتشم بنشـانی ولی چه سـود م--ن نی-ز چ-و ت-و هم-دم س-وز نهانیم

امیدواری

آن قدر در می زنم این خانه را *** تا ببینم روی صاحب خانه را

صیاد

HANTER چون صـید به دام تو به هرلحظه شـکارم...ای قافله دارم از دوری صیاد دگر تاب ندارم ... رفته است قرارم چون آهوی گمگشـته بهرگوشه دوانم...تـا دام درآغوش نگیرم نگرانم از ناوك مژگان چو دو صـد تیر رهانی... بر دل بنشانی چون پرتوی خورشید اگر رو بکشانی ...وای از شب تارم

فالی دیگر

The other Hafez fal منم که شـهره ی شـهرم بعشق ورزیـدن*من--م که دیـده نیالوده ام ببـد دیدن وفا کنیم وملامت کشیم وخوش باشیم*که درطریقتِ ما کافریست رنجیدن

وفا... Fidelity

دی ۱۳۸۷ ، ۱۳:۴۵ وف--ا Fidelity اندر دل بی وف---ا غم و ماتم باد**آن را که وف--ا نیست ز عالم کم باد

فقط خدا

...خواندن این شعر به بازدید کنندگان محترم سایت توصیه می گردد...Only God مثل گلای باغچمون که هر کدوم یه رنگیه سـکوت چشـمای تـو هم درست به این قشـنگیه مثـل تمـوم نـامه هـا که آخرش جـداییه نرفتن تو این دفعه یه حکمت خداییه مثل تموم قصه ها که انتهاش آخر ماست

آخر هر حادثه ای چه خوب چه بد فقط خداست

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

